

نشریه حوزه علمیه حضرت زینب (سلام الله علیها)

ویژه هفته پژوهش

- اهمیت تولید علم و پژوهش
- پژوهش و علم محور اقتدار کشور
- راهکارهای عمومی انتخاب موضوع
- جایگاه پژوهش در حوزه های علمیه
- چيستی نويسندگی
- چکیده مقالات ارزیابی شده ۱۳۹۹
- پاراگراف نویسی
- حکایت خواندنی از امام علی (ع)
- درباره علم بهتر است یا ثروت
- معرفی کتابخانه های دیجیتالی
- واکاوی سبک زندگی علمی حضرت زینب(س) با رویکردی قرآنی و حدیث



بیتنا للدراسه العلمیه

گاهنامه علمی - پژوهشی

شماره ۲۵، پاییز ۱۳۹۹

ندای زینب

■ صاحب امتیاز: مدرسه علمیه حضرت زینب (س)

■ مدیر مسئول: مرجان خلیلیان

■ سردبیر: سیده حکیمه موسوی

■ هیئت تحریریه: سیده حکیمه موسوی، امیره دارم، فهیمه موسوی، سلوه ساوکی

■ صفحه آرائی: سیده حکیمه موسوی

● نشانی: خوزستان - شهرستان امیدیه - روبروی بازار مهاجرین - جنب رستوران تشریفات

● صندوق پستی: ۸۳۴۵۷-۶۳۷۳۱

● تلفن: ۰۶۱-۵۲۶۲۰۳۳۰



فهرست مطالب

- ۱..... مناجات نامه
- ۲..... سخن سر دبیر.....
- ۳..... اهمیت تولید علم و پژوهش.....
- ۴..... پژوهش و علم محور اقتدار کشور.....
- ۵..... جایگاه پژوهش در حوزه های علمیه.....
- ۶..... اهمیت علم و علم آموزی در قرآن.....
- ۸..... سخن مقام معظم رهبری (مدظله).....
- ۹..... چیستی نویسندگی.....
- ۱۰..... پاراگراف نویسی.....
- ۱۲..... حکایت خواندنی از امام علی (ع) علم بهتر یا ثروت.....
- ۱۴..... معرفی کتابخانه های دیجیتالی.....
- ۱۶..... معرفی کتاب.....
- ۲۳..... چکیده مقالات ارزیابی شده در سال تحصیلی ۱۳۹۹.....
- واکاوی سبک زندگی علمی حضرت زینب (س) با رویکردی به
- ۲۷..... قرآن و حدیث.....

مناجات نامه

الهی لاتکلنی

خداوندا مرا بپذیر

خداوندا عاشق دیدار تم

همان دیداری که موسی را ناتوان از

ایستادن و نفس کشیدن نمود

خداوندا مرا بپذیر

آخرین نوشته سردار ساعاتی
قبل از شهادت

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

قلم مقدس است؛ زیرا خداوند به آن قسم یاد کرده و وسیله‌ای برای تربیت خلقش قرار داده است. این نشان از جایگاه عظیم قلم در فرهنگ بشری به ویژه جامعه اسلامی است. قلم از ضروری‌ترین عناصر فرهنگ و تاریخ و جامعه است پس برای داشتن فرهنگ تاریخ و جامعه نیکو لازم است صاحبان قلم قلم‌های خود را از قیوده نفسانی خارج کنند و به فکر ترویج اندیشه‌های ناب باشند.

روز پژوهش مبارک

اهمیت تولید علم و پژوهش

یک مسئله دیگر هم که به شدت به شما ارتباط پیدا می کند، مسئله تولید علم است. خوشبختانه من می بینم در دانشگاهها تولید علم و لزوم عبور از مرزهای دانش به یک گفتمان عمومی تبدیل شده. این خیلی برای من خرسندکننده و نویدبخش است. باید اجرائی کنید. این پیشنهادهائی که این عزیزان من در زمینه های دانش و تحقیق و پژوهش و ایجاد مراکز و نخبه پروری و ارتباطات و غیره گفتند، همه در جهت همین مسئله تولید علم است. این بسیار باارزش است. این راه را باید دنبال کرد. ما عقبیم. امروز سرعت پیشرفت ما خوب است؛ اما با توجه به عقب ماندگی های گذشته که کشور ما دارد، هرچه سرعت مان بیشتر باشد بازهم زیادی نیست. ما باید خیلی پیش برویم؛ از راههای میان بر استفاده کنیم؛ از شتاب فراوان بهره ببریم؛ ما باید در همه علوم تولید داشته باشیم.

رابطه بین کشورها در زمینه علم باید رابطه صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. همچنانی که در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی می شود و احساس غبن می کند، در زمینه علم هم باید همین جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حد اقل به همان اندازه که وارد می کنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دوطرفه باشد.

و آلا اگر شما دائماً ریزه خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فراگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در اینجا هم منفی نباشد. متأسفانه در این یکی دو قرن شکوفائی علم در دنیا، تراز ما تراز منفی بوده. از اول انقلاب کارهای خوبی شده؛ اما این کارها بایستی با سرعت و شدت هرچه بیشتر ادامه پیدا کند. البته منظورم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست؛ جامعه شناسی، روان شناسی، فلسفه. نظریه های جامعه شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضی ها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر! فلان جامعه شناس این جوری گفته؛ این دیگر بروبرگرد ندارد! چرا؟! بنشینید فکر کنید؛ نظریه پردازی کنید؛ از موجودی این دانشها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را برملا کنیم. این از جمله کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و

دانشجویان کردستان (۲۷/۰۲/۱۳۸۸)

پژوهش و علم، محور اقتدار کشور

رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفتِ همراه با اقتدار، علم است. آماج بسیاری از توطئه های امروزی که علیه جمهوری اسلامی هست، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی است؛ این را توجه داشته باشید. نگذارید این تیر طبق آن هدف گیری دشمن، به هدفی که آن ها گرفته اند، اصابت کند. کار علمی را نگذارید متوقف بشود. از همه این حرف هائی که گفته شد، مهم تر، مسئله علم و تحقیق و پژوهش است. دنیای غرب ثروتش از ناحیه علم است، اقتدارش از ناحیه علم است، زورگوئی ای که امروز می کند، به خاطر علمی است که دارد. پول فی نفسه اقتدار نمی آورد. آنی که اقتدار می آورد، دانش است. امروز اگر آمریکا پیشرفتگی علمی خودش را نمی داشت، نمی توانست در دنیا این جور زورگوئی بکند و در همه مسائل عالم دخالت بکند. ثروت هم اگر به دست می آید، از ناحیه علم به دست می آید. علم را اهمیت بدهید. اینی که من سالهاست روی مسئله علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه می کنم، به خاطر این است. بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکان پذیر نیست. دانش اقتدار می آورد.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از نخبگان علمی

کشور (۱۳۸۸ / ۰۸ / ۰۶)



راهکارهای عمومی انتخاب موضوع

۱. تقویت حس کنجکاوی و غلبه بر پیش فرض ها و الگوهای ذهنی.

۲. مشورت از اساتید و استفاءه از تجربه دیگران

۳. مراجعه به فرهنگ نامه ها و دایره المعارف ها و بررسی زوایای موضوع

۴. مطالعه دیگر تحقیقات

۵. بررسی اجمالی پژوهش های انجام شده درباره یک موضوع

۶. جستجو در فهرست های موضوعی کتابخانه ها و بانک های اطلاعاتی

۷. توجه به فراخوان های کنفرانس ها و همایش های علمی

مهمترین و کارآمدترین

گام در تحقیق

انتخاب موضوع است.

جایگاه پژوهش در حوزه های علمی

با توجه به اینکه :

۱ - پژوهش و تحقیق از جمله اهداف اصلی تمامی نظام های آموزشی است .

۲ - پرورش محقق و پژوهشگر مهمترین دستاورد یک نظام آموزشی و اصلی ترین رسالت آن است .

۳ - افزایش کمی و کیفی پژوهش و تحقیق و رشد آمار پژوهشگران و محققان از شاخصه های اصلی و از مؤلفه های مهم ارزیابی کارآمدی و موفقیت یک نظام آموزش عالی به شمار می آید .

۴ - ترقی مادی و معنوی هر جامعه به رشد کمی و کیفی تحقیق و پژوهش در آن جامعه وابسته است.

۵ - تحقیق و پژوهش فصل ممیزه یک نظام آموزش عالی در برابر نظام آموزش ابتدایی و یا حتی میانی است .

۶- آموزش با پژوهش و تحقیق بارور و پویا می گردد و در پرتو آن ارزش می یابد .

۷ - ارتقاء جایگاه یک کشور به جایگاه برتر در میان کشورها به رشد کمی و کیفی تحقیق و پژوهش های علمی در آن کشور وابسته است .

۸- رسیدن به استقلال همه جانبه و توسعه پایدار و تعالی مادی و معنوی یک کشور جز در پرتو گسترش تحقیق و پژوهش امکان پذیر نمی باشد
و...

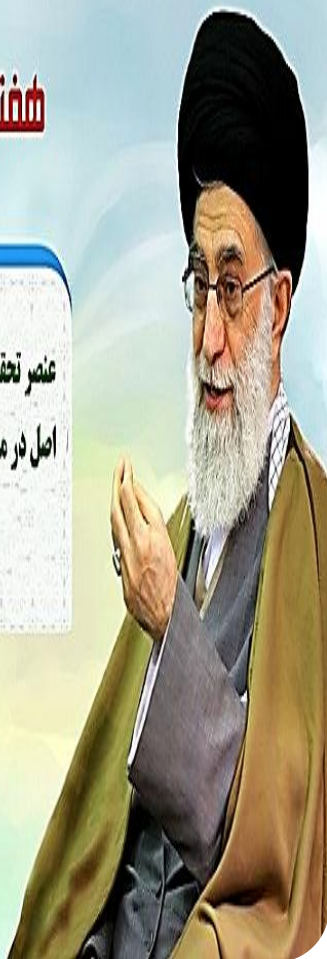
جهت هشتگانه مذکور و دیگر جهاتی که به دلیل عدم گنجایش این نوشتار از ذکرشان خودداری شد ، مسئولان اجرایی بویژه دست اندرکاران و برنامه ریزان نظام آموزشی حوزوی و دانشگاهی را موظف می کند تا امور را با رویکرد پژوهشی تدبیر نموده و آموزش را به آن سمت و سو جهت دهند و آن را با معیار پژوهش بسنجند و با آن ارزش نهند و با تعیین مشوقهای مادی و معنوی گرانسنگ ، انگیزه پژوهش را در دانشگاهیان و حوزویان و دانش پژوهان دیگر مراکز علمی و آموزشی تقویت کنند تا بطور مستمر ارمغان های علمی جدید و نویی را تقدیم جامعه علمی نموده و متناسب با مقتضیات زمان و مکان و هماهنگ با حوادث نوپدید به خلق آثار بدیع و ابتکاری در عرصه های علمی بپردازند.

<https://hekmat1.kowsarblog.ir>

سخن مقام معظم رهبر (مدظله العالی)

هفته پژوهش گرامی باد

عصر تحقیق و پژوهش در همه جا به صورت یک اصل در مجموعه کارها باید مورد توجه قرار گیرد.
مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



«تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نو اندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کلّ محیط علمی هم است. البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی»

[/https://hekmat1.kowsarblog.ir](https://hekmat1.kowsarblog.ir)

چیستی نویسندگی

هنر تبادل اندیشه و گفت و گوی نوشتاری با خواننده و بیان معانی با الفاظ و عبارات درست تفکیک میان خواننده و شنونده

چرایی نویسندگی

دو عنصر مهم هر نوشته:

پیام محتوا: (قالب زبان)

ارکان پیام رسانی: اصل پیام؛ گیرنده؛ ابزار پیام رسانی (زبان)

ارکان نویسندگی

۱. شناخت مخاطب

۲. دانش و اندیشه در یک رشته از علوم

۳. تجربه اندوزی روزانه با بسیار خواندن و نوشتن (در حوزه تخصصی)

۴. مطالعات به روز پراکنده (غیر مرتبط)

۵. ذوق و استعداد نسبی

چندگونگی نویسندگی

۱ ادبی: بیان حقیقت، همراه احساس و خیال و

صنایع زیبا سازی متن

۲. داستانی: بیان مطالب آموزنده در قالب زبان

گفتاری قصه همراه با وهم و خیال

۳. اداری بخش نامه و آیین نامه برای بیان وظایف

مدیران و کارگزاران.

۴. علمی: بیان حقایق و استناد به ادله با زبان

روان و گویا و دارای

کیستی نویسنده

هر فردی که در ارائه اثر نوشتاری خود، افزون بر

محتوا و معنا، به زبان و قالب و ظاهر آن نیز توجه

دارد.

۲. ویژگی‌های فناوری و دانشی
هدفمندی نوشته و تناسب با مقتضات زمان
هماهنگی نوشته با نیازهای مخاطب
اصالت و استواری محتوا با ادله عقلانی و وحیانی

معرفی منابع برای نویسندگی

آیین قلم، تالیف جواد محدثی
فرهنگ بزرگ سخن، تالیف حسن انوری
کتاب چگونه بنویسیم؟ آشنایی با روش‌های علمی
نگارش عربی و فارسی (سید عبدالرضا دحاسی)
مبانی نگارش علمی، تالیف‌یزدان منصوریان
راهنمای نگارش مقاله نویسی، تالیف مریم اسدی
غلط‌نویسیم، تالیف ابوالحسن نجفی
بهبتر بنویسیم، تالیف رضا بابایی
شیوه‌شیوایی تالیف ابوالقاسم حسینی

ویژگی‌های نویسندگی

۱. توانایی در گردآوری مطالب نوشته

۲. توانایی در مهندسی سازه نوشته (طرح)

۳. آسانی نوشتن برای او

۴. ساده نوشتن و پرهیز از هنر نمایی با الفاظ

۵. درست نوشتن

۶. زیبا نوشتن

۷. بسیار نوشتن

ویژگی‌های نوشته خوب

۱. ویژگی‌های ساختاری و روشی

مهندسی ساختار نوشته (روش تحقیق)

گویایی و شیوایی متن (روش نگارش و ویرایش)

پاراگراف نویسی

بند یا پاراگراف

مجموعه‌ای مستقل از چند جمله است که بخشی از موضوع نوشته در آن به نتیجه می‌رسد یا پردازش و پرورش بند پیشین است. هر پاراگراف دارای یک جمله کلیدی و هسته مرکزی است و دیگر جملات، دلیل یا مثال و شاهد و توضیح آن هستند.

ساختار پاراگراف و بند

۱. جمله موضوعات و اصلی در آغاز هر بند
۲. دلیل و شواهد در ادامه جمله موضوعی
۳. جمله ربط: برای فرود آمدن و بستر سازی

بعدی

منبع:

فایل آموزشی نگارش علمی استاد ابراهیمی،

تراک ۷

ویژگی‌های جمله‌ی موضوع

جمله‌ی موضوع مهم‌ترین جمله‌ی پاراگراف است. این جمله به طور خلاصه می‌گوید که در آن پاراگراف پیرامون چه موضوعی بحث می‌شود. از این رو، جمله‌ی موضوع راهنمای خوبی برای نویسنده و خواننده است. نویسنده درمی‌یابد که چه اطلاعاتی را باید در جمله‌های پیرو بگنجاند و چه اطلاعاتی را نباید مطرح کند. خواننده نیز می‌داند که موضوع پاراگراف چیست و خودش را برای درک بهتر آن، آماده می‌کند.

فایده‌های پاراگراف نویسی

شکستن یکنواختی

کمک به درک بخش‌های مختلف اندیشه از طریق

تقسیم بندی نوشته

مشخص کردن اجزا از کل موضوع

ایجاد فاصله برای بهتر دیدن متن

جلب توجه خواننده به تغییر موضوع و موضوعهای

فرعی

سهولت امکان مراجعه به هر موضوع اصلی یا فرعی

در هر زمان و اطلاع رسانی به موقع و سریع

منبع

<https://b2n.ir/196267>

حکایتی خواندنی از امام علی درباره علم بهتر است یا ثروت

جمعیت زیادی دور حضرت علی حلقه زده بودند. مرد وارد مسجد شد و در فرصتی مناسب پرسید: یا علی! سؤالی دارم. علم بهتر است یا ثروت؟ علی در پاسخ گفت:

علم بهتر است؛ زیرا علم میراث انبیاست و مال و ثروت میراث قارون و فرعون و هامان و شداد. مرد که پاسخ سؤال خود را گرفته بود، سکوت کرد. در همین هنگام مرد دیگری وارد مسجد شد و همان طور که ایستاده بود بلافاصله پرسید: ابالحسن! سؤالی دارم، می توانم بپرسم؟ امام در پاسخ آن مرد گفت: بپرس! مرد که آخر جمعیت ایستاده بود پرسید: علم بهتر است یا ثروت؟ علی فرمود:

علم بهتر است؛ زیرا علم تو را حفظ می کند، ولی مال و ثروت را تو مجبوری حفظ کنی. نفر دوم که از پاسخ سؤالش قانع شده بود، همان جا که ایستاده بود نشست. در همین حال سومین نفر وارد شد، او نیز همان سؤال را تکرار کرد و امام در پاسخش فرمود:

علم بهتر است؛ زیرا برای شخص عالم دوستان بسیاری است، ولی برای ثروتمند دشمنان بسیار!

هنوز سخن امام به پایان نرسیده بود که چهارمین نفر وارد مسجد شد. او در حالی که کنار دوستانش می نشست، عصای خود را جلو گذاشت و پرسید: یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟ حضرت علی در پاسخ به آن مرد فرمودند:

علم بهتر است؛ زیرا اگر از مال انفاق کنی کم می شود؛ ولی اگر از علم انفاق کنی و آن را به دیگران بیاموزی بر آن افزوده می شود.

نوبت پنجمین نفر بود. او که مدتی قبل وارد مسجد شده بود و کنارستون مسجد منتظر ایستاده بود، با تمام شدن سخن امام همان سؤال را تکرار کرد. حضرت علی در پاسخ به او فرمودند علم بهتر است؛ زیرا مردم شخص پولدار و ثروتمند را بخیل می دانند، ولی از عالم و دانشمند به بزرگی و عظمت یاد می کنند.

با ورود ششمین نفر سرها به عقب برگشت، مردم

با تعجب او را نگاه کردند. یکی از میان جمعیت

گفت:

حتماً این هم می‌خواهد بداند که علم بهتر است یا ثروت! کسانی که صدایش را شنیده بودند، پوزخندی زدند. مرد، آخر جمعیت کنار دوستانش نشست و با صدای بلندی شروع به سخن کرد: یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟ امام نگاهی به جمعیت کرد و گفت:

علم بهتر است؛ زیرا ممکن است مال را دزد ببرد، اما ترس و وحشتی از دستبرد به علم وجود ندارد.

مرد ساکت شد. همه‌های در میان مردم افتاد؛ چه خبر است امروز! چرا همه یک سؤال را می‌پرسند؟ نگاه متعجب مردم گاهی به حضرت علی و گاهی به تازه‌واردها دوخته می‌شد. در همین هنگام هفتمین نفر که کمی پیش از تمام شدن سخنان حضرت علی وارد مسجد شده بود و در میان جمعیت نشست، پرسید: یا ابالحسن! علم بهتر است یا ثروت؟ امام دستش را به علامت سکوت بالا برد و فرمودند:

علم بهتر است؛ زیرا مال به مرور زمان کهنه می‌شود، اما علم هرچه زمان بر آن بگذرد، پوسیده نخواهد شد. مرد آرام از جا برخاست و کنار دوستانش نشست؛ آن‌گاه آهسته رو به دوستانش کرد و گفت:

بیهوده نبود که پیامبر فرمود: من شهر علم هستم و علی هم در آن! هرچه از او پرسیم، جوابی در آستین دارد، بهتر است تا بیش از این مضحکه مردم نشده‌ایم، به دیگران بگوییم، نیایند! مردی که کنار دستش نشسته بود، گفت: از کجا معلوم! شاید این چندتای باقیمانده را نتواند پاسخ دهد، آن وقت در میان مردم رسوا می‌شود و ما به مقصود خود می‌رسیم! مردی که آن طرف‌تر نشست، گفت: اگر پاسخ دهد چه؟ حتماً آن وقت این ما هستیم که رسوای مردم شده‌ایم! مرد با همان آرامش قلبی گفت: دوستان چه شده است، به این زودی جا زدید! مگر قرارمان یادتان رفته؟ ما باید خلاف گفته‌های پیامبر را به مردم ثابت کنیم. در همین هنگام هشتمین نفر وارد شد و سؤال دوستانش را پرسید، که امام در پاسخ فرمود:

علم بهتر است؛ برای اینکه مال و ثروت فقط هنگام مرگ با صاحبش می‌ماند، ولی علم، هم در این دنیا و هم پس از مرگ همراه انسان است.

سکوت، مجلس را فراگرفته بود، کسی چیزی نمی‌گفت. همه از پاسخ‌های امام شگفت‌زده شده بودند که... نهمین نفر وارد مسجد شد و در میان بهت و حیرت مردم پرسید: یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟ امام در حالی که تبسمی بر لب داشت، فرمود:

علم بهتر است؛ زیرا مال و ثروت انسان را سنگدل می‌کند، اما علم موجب نورانی شدن قلب انسان می‌شود.

نگاه‌های متعجب و سرگردان مردم به در دوخته شده بود، انگار که انتظار دهمین نفر را می‌کشیدند. در همین حال مردی که دست کودکی در دستش بود، وارد مسجد شد. او در آخر مجلس نشست و مشتی خرما در دامن کودک ریخت و به روبه‌رو چشم دوخت. مردم که فکر نمی‌کردند دیگر کسی چیزی بپرسد، سرهایشان را برگرداندند، که در این هنگام مرد پرسید: یا ابوالحسن! علم بهتر است یا ثروت؟ نگاه‌های متعجب مردم به عقب برگشت. با شنیدن صدای علی (علیه السلام) مردم به خود آمدند.

علم بهتر است؛ زیرا ثروتمندان تکبر دارند، تا آنجا که گاه ادعای خدایی می‌کنند، اما صاحبان علم همواره فروتن و متواضع‌اند. فریاد هیاهو و شادی و تحسین مردم مجلس را پر کرده بود. سؤال کنندگان، آرام و بی‌صدا از میان جمعیت برخاستند. هنگامی که آنان مسجد را ترک می‌کردند، صدای امام را شنیدند که می‌گفت: اگر تمام مردم دنیا همین یک سؤال را از من می‌پرسیدند، به هر کدام پاسخ متفاوتی می‌دادم.

منبع:

کشکول بحرانی، ج ۱، ص ۲۷. به نقل از امام علی بن ابی طالب، ص ۱۴۲



۸) کتابخانه تخصصی اهل البيت (عليهم السلام)

<https://library.razavi.ir>

۹) کتابخانه پایگاه حوزه

www.hawzah.net

۱۰) کتابخانه پایگاه اندیشه قم

www.andisheqom.com

۱۱) کتابخانه باشگاه اندیشه

WWW.bashgah.net

۱۲) کتابخانه امام علی (علیه السلام)

www.imamAlinet.net

۱۳) کتابخانه دیجیتال مذاهب

<http://mazaheb.com>

۱۴) کتابخانه آیه الله مکارم شیرازی

www.makaremshirazi.org

۱۵) کتابخانه آیه الله مصباح یزدی

www.mesbahyazdi.org

۱۶) کتابخانه الکترونیکی معارف اسلام

www.maarefislam.com

۱۷) کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی

<https://www.ghbook.ir/index>

۱۸) کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام

www.historyLib.com

#معرفی_کتابخانه_های_دیجیتالی

۱) کتابخانه دیجیتال تبیان

<http://www.tebyan.net>

۲) کتابخانه دیجیتال نور

<http://www.noorlib.ir>

۳) کتابخانه آنلاین

[/http://infoketab.ir](http://infoketab.ir)

۴) کتابخانه دیجیتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی

<http://www.nlai.ir>

۵) کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای

اسلامی

<http://www.ical.ir>

۶) کتابخانه اینترنتی علاءالدین

<http://www.aladdinlibrary.org>

۷) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

[/http://library.ut.ac.ir](http://library.ut.ac.ir)

تبلیغ غیرمستقیم
 بهره‌های معنوی و عنایت‌های ویژه
 قداست ذاتی لباس
 پرسش‌ها و ابهام‌ها
 مانع ارتباط
 عدم ضرورت
 تغییر معنای نماد
 تمسخر و هتک قداست
 محدودیت
 شبهه اصالت
 تمایز و امتیازخواهی
 لباس شهرت و خلاف عرف
 پرهیز شخصی
 رکود نیروهای حوزوی
 تردید در شایستگی
 زمان و شرایط پوشیدن لباس
 نصاب شرایط علمی
 نصاب شرایط عملی
 دو لباسی
 کیفیت لباس و هیأت ظاهری
 سطح زندگی و رفتار اجتماعی طلبه



معرفی کتاب

در این کتاب به اموری زیر پرداخته شده:

فواید و تأثیرات نماد
 لباس
 فوائد لباس روحانیت
 اعلام آمادگی برای خدمات اجتماعی
 تداعی و تذکر ارزش‌ها برای صاحب
 لباس
 تداعی و تذکر ارزش‌ها برای دیگران
 اعلام حضور اندیشه اصیل دینی
 تصریح به آرمان‌ها
 القای ناخودآگاه حقانیت
 گزارشی از باطن جامعه و اهمیت دین

میزان الحکمة میزان الحکمة

کتاب میزان الحکمة با ارائه آیات الهی و احادیث، توصیه های دینی را در بسیاری از مسائل خرد و کلان جامعه بشری ارائه کرده است. در این مجموعه، به معارف دینی نگاه جامعی شده است تا فهم عمیق تعالیم الهی را به ارمغان بیاورد. این نگاه، محصول تفسیر هر آیه یا روایت در منظومه هماهنگ گزاره های دینی است. این منظومه، با کنار هم نهادن اعضای هر خانواده حدیثی بر اساس مضمون، رسیدن به این هدف را آسان می کند. همچنین تلاش شده تا موضوع بندی احادیث، با دقت نظر انجام گیرد و در حد امکان، از تکرار احادیث یا تداخل عناوین، خودداری شود. این اثر ناظر به روایات فقهی نیست و احادیثی که مضمون اخلاقی یا اجتماعی دارند، یا مربوط به مسائل فکری و اعتقادی اند را در خود جای داده است.

مؤلف در تنظیم این اثر، از مصادر روایی شیعه و اهل سنت سود جسته و پیش از بیان روایات معصومان: در هر موضوع، نخست آیات مربوط به آن را آورده است.

مؤلف در تنظیم این اثر، از مصادر روایی شیعه و اهل سنت سود جسته و پیش از بیان روایات معصومان: در هر موضوع، نخست آیات مربوط به آن را آورده است.

این مجموعه، ۵۶۴ عنوان اصلی، ۴۲۶۰ عنوان فرعی و ۲۳ هزار حدیث را در بر گرفته است. عنوان های اصلی کتاب بر اساس الفبا تنظیم شده، با موضوع «ایثار» آغاز و به موضوع «یقین» پایان می یابد.

گزیده ها و ترجمه ها: گزیده ها و ترجمه ها:

منتخب میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، تلخیص: سید حمید حسینی، قم: دار الحدیث، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۳ ه. ش، وزیری، ۲ ج، عربی - فارسی؛

گزیده میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، گزینش: سید حمید حسینی، قم: دارالحدیث، چاپ هفتم، ۱۳۹۳ ش، وزیری، ۷۷۶ ص، فارسی؛

میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، قم: دارالحدیث، چاپ ششم، ۱۴۳۳ ق،

چکیده

مقالات ارزشمندی شده در سال تحصیلی ۱۳۹۹

چیستی، انواع و جایگاه علم و علم‌آموزی در

قرآن کریم

نویسنده: سیده صدیقه موسوی^۱

چکیده

آیات قرآن معانی زیادی برای علم لحاظ

گردید که عبارتند از: دانستن، آگاهی،

حجت، نور و روشنایی. البته به دلیل

اینکه علم از واژگانی است که مورد توجه

ویژه قرآن قرار گرفت، در راستای تبیین

دقیق آن، می‌توان به کاربرد آن در آیات

و همچنین معناشناسی واژگان هم‌معنا و

متقابل آن اقدام نمود. مهم‌ترین واژگان

هم‌معنای علم عبارتند از: تدبر، تفکر و

تعقل. همچنین واژگان متقابل آن

عبارتند از: جهل، ظن، عمون، ضلال و

هوی. براساس مراتب مختلف علم که

وجود خداوند و سایر مخلوقات را شامل

است، می‌توان گفت ماهیت علم عبارت است

از:

وجودی محض، مجرد و مشکک. مطابق

مطالعات به انجام رسیده، می‌توان علم را بر

اساس نوع، موضوع، ابزار تحقق، نحوی تحقق و

کاربرد، تقسیم‌بندی نمود. در نگرش اسلام، علم

و دانش برترین فضیلت و از اهداف عالی انسان

است که موجبات کسب فضایل الهی را فراهم

می‌نماید. انسان با علم و آگاهی راه سعادت خود

را درمی‌یابد و در مسیر درستی، خود را به منزل

مقصود می‌رساند. در این نگرش، به دلیل اهمیت

علم و نقش آن در سرنوشت بشر، برای فراگیری

آن هیچ محدودیتی قائل نیست. البته تأکید

اسلام بر آموختن علمی است که برطرف

کننده‌ی همه‌ی نیازهای مادی، روحی و الهی

گردد.

کلیدواژه: علم، علم‌آموزی، قرآن کریم، تفکر،

دانش.

زندگی و مرگ در نگرش آیت الله

جوادی آملی

نویسنده: سیده صدیقه موسوی^۱

چکیده

عنوان مقاله زندگی و مرگ از نظر آیت الله جوادی آملی است. در نگرش آیت الله جوادی آملی انسان موجودی مرکب از دو ساحت جسم مادی و روح فرامادی است. هر یک از این دو ساحت مطابق با ساختار وجودیشان، دارای هویت، حیات و مرگ خاصی است. مطابق جنبه مادی، دارای زیست مادی و این جهانی و بر طبق جنبه فرامادی از زیستی فراتر از این جهان برخوردار است. حیات مادی، پایین ترین مرتبه حیات و البته لازمه حیات حقیقی است. بنابراین «زندگی» در نگرش جوادی آملی عبارت است از «فرایندی ساری در متن واقع که تلفیقی از تمام حالات، اوصاف، افعال و رویدادها و گرایش‌های دو ساحت وجودی انسان را شامل است».

همچنین با برخورداری از ساحت فرامادی، وجودی ابدی دارد. اما چون از ساحت مادی برخوردار است، به ناچار باید پایانی برای حرکت مادی و طبیعی او وجود داشته باشد. از این

پایان با عنوان «مرگ» یاد می‌شود؛ هنگامی که انسان این دنیا مادی را رها می‌کند، این رهایی نسبت به دنیا مرگ است، اما ورود آن به برزخ و نسبت به برزخ زندگی است. از این رو، مرگ یعنی انتقال از یک جهان به جهان دیگر؛ به طوری که انسان در میان این انتقال‌ها هرگز نابود نمی‌شود.

اثر تحقیقی توصیفی است که به شیوه‌ی کتابانه‌ای و اینترنتی مطالب مورد نظر را جمع‌آوری گردید.

کلیدواژه: انسان، زندگی، مرگ، روح، جسم.

بررسی عوامل مؤثر بر افزایش دروغ در

گفتار، کردار و پندار از اسلام

مریم ربیعی

چکیده

دروغ‌گویی صفت اخلاقی ناپسند است. دین اسلام آنرا مورد نکوهش قرار داده است و دروغ‌گویی را مقدمه هر گناه می‌داند. شاید هر فرد با شنیدن واژه ی دروغ‌گویی گمان کند این موضوعی روشن است و نیازی به تحقیق نباشد اما با کمی دقت در این موضوع پرسشهای زیادی در ذهن ایجاد می‌شود که هریک از اینها تحقیقاتی را می‌طلبند، این اهمیت پژوهش در این زمینه را می‌رساند. این مقاله به عوامل مؤثر بر افزایش دروغ در گفتار و کردار و پندار می‌باشد. روش تحقیق این مقاله به صورت تحلیلی نقلی است و شیوه جمع‌آوری مطالب آن کتابخانه‌ای است.

در این مقاله ابتدا به مواردی از قبیل مفهوم لغوی و اصطلاحی دروغ پرداخته شده و سپس به عوامل افزایش دروغ در دو بخش پرداخته شده است که در بخش اول عوامل افزایشی دروغ برگفتار از قبیل تهمت، منافع شخصی و در بخشی دیگر به عوامل افزایش دروغ بر کردار و پندار مانند:

حسد و ریا و نفاق بیان شده که هریک از موارد به صورت مختصر توضیح داده‌ام.

و در پایان مقاله به ارائه راهکار در جهت در امان ماندن از پیامدهای دروغ‌گویی و مبتلا نشدن به این صفت ناپسند اخلاقی پرداخته‌ام.

کلیدواژه‌ها: دروغ، پندار، گفتار



واکاوی سبک زندگی علمی حضرت زینب (س) با رویکردی به قرآن و حدیث

آیات تطهیر، مباحله، مودت، تبلیغ و... به نوعی جلوه گر تقدیر خداوند از اهل بیت (ع) است. زندگی علمی حضرت زینب (س) زاویه ای است که نیاز به واکاوی و تحلیل دقیق تری دارد؛ زیرا درباره این خاندان گفته شده: «إِنَّ هَؤُلَاءِ وَرَثَا الْعِلْمِ وَ الْفِصْحَةِ زَقُوا الْعِلْمَ زَا». حضرت زینب (س) علاوه بر علم لدنی، تمام شرایط یک راوی موثق را در حد کمال داراست. بدین لحاظ، به او (س) عالمه گفته اند. همچنین علم پیشگویی حوادث را نیز دارا میباشد، چنان که کیفیت شهادت خود را پیشگویی کرد. صفت دیگر ایشان (ع) عقیده است که ابن عباس به او داده است. همچنین مفسری بیبدلیل است؛ زیرا خطبه های آن حضرت (س) آکنده از آیات قرآنی است.

مقدمه

جایگاه اهل بیت (ع) در قرآن با آیاتی که در شأن این خانواده نازل شده، به خوبی نمایان است از جمله این آیات میتوان آیه تطهیر، آیه مباحله، آیه مودت، سوره هل ائی، آیه تبلیغ و آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ...﴾ را نام برد که همه به نوعی تجلی گر تقدیر خداوند از آنهاست و در تحلیل مقامات علمی ایشان سخنانی آمده که جایگاه والای علمی ایشان را اثبات میکند. از این خاندان مقدس، شخصیتی ممتاز و

نگاران شیعه و سنی از دیدگاه خویش به زندگانی و قهرمانی این بانوی بزرگ نگریسته و آن را مورد تحلیل و تجلیل قرار داده اند. اما در بررسی زندگی ایشان اغلب به نقش آفرینی بیبدیل او در کربلا پرداخته شده است و در توجه به سایر ابعاد شخصیتی او مانند «زندگی علمی این بانوی فرهیخته» به اشاراتی گذرا بسنده شده است و سبک زندگی علمی ایشان زاویه ای بود که نیاز به واکاوی و تحلیل دقیق تری داشت. زینب کبری (س)، عقیده بنیهام، سومین فرزند حضرت امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب و حضرت فاطمه زهرا، علیهما السلام، است که در روز پنجم جمادیاول سال پنجم یا ششم هجری، در مدینه طیبه دیده به جهان گشود و پیامبر خدا (ص) نام «زینب» را برای وی برگزید که این نام به وسیله جبرئیل از طرف خداوند به او عرضه شد (ر.ک: صفری، بیتا، ج ۲: ۱ و غروی، ۱۳۷۵: ۱۹۳). اگرچه آن حضرت مدت بسیار کمی سعادت همنشینی با جد بزرگوار و مادر ارجمندش را داشت، اما شکل گیری شخصیت او از همان زمان آغاز شد و از انوار تابناک آن دو معصوم، درس هایی کسب کرد و در موقعیت های مختلف خصوصا در مکتب کربلا آنها را پیاده ساخت. او وارث خاندانی بود که یزید، سرسخت ترین و پست ترین دشمن اهل بیت (علیهم السلام)، درباره آنها میگفت: «إِنَّ هَؤُلَاءِ وَرَثَا الْعِلْمِ وَ الْفِصْحَةِ زَقُوا الْعِلْمَ زَقَا» (مقرم، بیتا: ۳۷۱ و حاج حسن، بیتا: ۱۴۱). در برخی از روایات، «زقوا العلم زقا» (امین، بیتا: ۱۷۹ و قرشی، بیتا: ۱۳۲). اینان خاندانی هستند که فصاحت و دانش را (از پیامبر (ص)) به ارث برده اند و آن را همراه شیرخوارگی از پستان مادر میمکنند. از میان بانوان فرهیخته اهل بیت (ع) حضرت زینب (س) را انتخاب کردیم و به بررسی سیره علمی ایشان پرداختیم، چراکه ایشان همچون مادر بزرگوار خود، حضرت

زهره (س)، بانوی فرهیخته ای بود که جامعه عرصه را بر او و خاندانش بسی تنگ نمود و متقابلاً ایشان همچون مادر خود با علم و درایت خود، به نقش آفرینی و ایفای نقشی ماندگار در عالم هستی پرداختند.

حضرت زینب (س) هفت معصوم را درک کرده بود و کلام و کردار آنها در او متجلی شده بود.

کلام یک معصوم دارای ویژگیهایی است که با کلام یک فرد معمولی (ولو آن فرد به نسبت افراد دیگر، فردی متعالی محسوب شود)، بسیار متفاوت است. برخی ویژگیهای کلامی آنها را میتوان شکر نعمت در ابتدای کلام، شهادت به توحید الهی، تذکر برخی از تکالیف، از جمله امر به معروف و نهی از منکر، حلال و حرام و... تبعیت از امام بر حق، موقعیت شناسی: راحت، بیان فلسفه برخی احکام، افشاگری ظالمان، مناعت و مظلومیت برشمرد که برخی علل این ویژگیها را میتوان عصمت الهی، علم لدنی، وراثت، تعالی روح و فکر، پشتیبانی الهی و... دانست.

این مقاله بر آن است تا با تکیه به قرائنی در زندگی ایشان، مقام و جایگاه علمی حضرت را واکاوی کند که توصیف حضرت به «عالمه غیر معلمه و فهمة غیر مفهمة» (از جانب امام معصوم، حضرت زین العابدین (ع)، بر چه اساسی بود؟ چرا امام حسین (ع) اسرار امامت و نیابت ولایت معصوم را به ایشان واگذار فرمود؟ آیا حضرت زینب (س) از علم لدنی که خاص انبیاء و امامان معصوم است، بهره مند بود؟ جایگاه علمی و آموزشی ایشان در جامعه چگونه بود؟ و نیز چرا دشمن در توصیف زینب و خاندانش، به علم آنها تکیه میکند؟

جایگاه علمی حضرت زینب (س)

برای حضرت زینب (س) القاب علمی گوناگونی ذکر نموده اند که عبارتند از: «عالمه غیر معلمه: دانای نیاموخته»، «فهمة غیر مفهمة: فهمیده بیاموزگار»، «نائبه الزهراء: جانشین حضرت زهرا، سلام الله علیها»، «عقیله النساء: خردمند بانوان»، «سیده العقائل: بانوی بانوان خردمند»، «ساللة الولاية: فشرده، خلاصه و چکیده ولایت»، «ولیده الفصاحة: زاده شیواسخنی»، «عقیله خدر الرسالة: خردمند پرده نشینان رسالت»،

الف) عالمه

علم و دانش شریف ترین حالات ارج آفرین انسان میباشد، چراکه اگر جز علم ملاک دیگری معیار برتری انسان بود، خداوند بلافاصله پس از گفتار درباره آفرینش عالم و آدم از این حالات و ملاکها سخن به میان میآورد، آنجا که در مقام علم میفرماید و در مقام... علماء نیز میفرماید

یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین أوتوا العلم

خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و... درجات کسانی را که علم به آنان داده شده، درجات عظیمی میبخشد... ﴿المجادله / ۱۱﴾. از نظر علامه، مؤمنین در این آیه به دو دسته عالم و غیرعالم تقسیم میشوند و در مقابل هر یک درجه ای که به مؤمنان داده میشود، درجاتی به مؤمنان صاحب علم عنایت میکند (ر.ک: موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۷۹). در تفاسیر روایی غالباً مصداق علما را اهل بیت پیامبر (ص) دانسته اند که از جانب خدای متعال به آنان علمی افزوده شده است و اینک در دو عنوان، به بررسی علمی میپردازیم که خداوند به عالمه آل علی (ع) عنایت فرموده است:

۱. علم لدنی

علمی که در ذات شخص آفریده شده است و او از کسی فرا نگرفته (رهبری، ۱۳۹۰: ۲۴۴)، علم حقیقت و علم عارفان و صدیقان است (ر.ک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۴۱). لذا علم لدنی برتر از علم اکتسابی است، چون از طرف خداوند به صورت مستقیم به برخی انسان ها وا تقوا الله... داده میشود که شرایط آن را طبق آیه ﴿البقره / ۲۸۲﴾ تقوا، تکیه و تهذیب ﴿...ويعلمکم الله نفس است تا افاضات الهی حاصل شود. همچنین است آیه ﴿...وعلمناه من لدنا علما: و از نزد خود به او (خضر) علم آموختیم﴾ (الکھف / ۶۵) که حاکی از افاضه بیواسطه اینگونه علوم است. لذا علم خانم انبیاء و خاندانش، از جمله زینب کبری (س) از جنس همان علمی است که به حضرت خضر (ع) افاضه شد و کلام معصوم، حضرت امام سجاد (ع) سند و مؤید این امر عمتی أنت بحمدالله عالمه غیر معلمه و فهمة « است. عمه جان! تو عالمه ای هستی بدون اینکه: غیر مفهمة معلم داشته باشی و فهمیده ای هستی بی آنکه کسی

مطالب را به تو فهمانده باشد» (حسون، ۱۳۷۹: ۴۳۷؛ رسولی، بی‌تا: ۱۵ و مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۴). امام حسن، علیه السلام، هم خواهر خود را چنین خطاب فرموده است:

خواهرم! حقا که تو از درخت نبوت و معدن رسالت « هستی» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۷۴). لذا به استناد این سخنان و اوصاف علمی حضرت، میتوان ایشان را بارزترین مصداق برای آیات و احادیثی دانست که در شأن علما بیان شده اند

پیامبر(ص) فرمودند: «عالمان وارثان پیغمبرانند»

(عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۷۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷:

۲۹۹ و قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۳۴۴). زینب (س) وارث علم و حکمت نبوی و فصاحت علوی بود (همانگونه که قبلا در ویژگیهای کلامی اهل بیت (ع) ذکر شد)، آنان فلسفه احکام را میدانستند و کلام آنان سرشار از حکمت بود که بعضا آنها را برای افراد تبیین میکردند.

گاهی از علم به حکمت تعبیر میشود؛ مانند آیه

و به هر کس : «...ومن یؤت الحکمة فقد أوتی خیرا کثیرا...» دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است...» (البقره

/ ۲۶۹). خداوند از علم به حکمت تعبیر فرموده است

(طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۴۷ و طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۳۴۹) و حکمت را سرشار از عظمت و خیر و برکت معرفی نموده است؛ زیرا که عالم و دانشمند، استوارتر از جاهل میانداشید و گفتار و رفتار او با متانت و استحکام توأم است. در حدیث دیگری از نخستین عالم و معلم، پیامبر اکرم (ص)، در تکریم مقام علما آمده است:

«نزدیکترین مردم به مقام و مرتبت نبوت، دانشمندان و مجاهدان راه حق هستند» (حسینی علوی، بی‌تا: ۴۶؛

حکیم، بی‌تا: ۷؛ آملی، ۱۳۸۱: ۱۲ و عاملی، ۱۴۰۹ق: ۸۵).

حال آنکه زینب کبری (س) هم سلاله نبوت بود و هم در سخن معصوم به اهل علم بودن (عالمه غیر معلمه) و فرهیختگی ستوده شده است. به علاوه، ایشان در زمره مجاهدان مذکور در حدیث شریف نبوی هم قرار می گیرند؛ زیرا با جان و مال و فرزندانش در راه خدا به دفاع از ولایت پرداخت. در تأیید قرآنی، جایگاه والای ایشان در امر جهاد آیه زیر مورد استناد است:

﴿الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله بأموالهم وأنفسهم أعظم درجة عند الله...﴾

آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقام ایشان نزد خدا برتر است... ﴿التوبه / ۲۰﴾. جهاد، به کار بستن نهایت درجه قدرت و طاقت است (ر.ک: موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۵۲). معمولا اولین معنایی که از جهاد در ذهن متبادر میشود، مبارزه در میادین جنگ است، اما این یکی از جنبه های جهاد است و گاهی جهاد به گونه ای است که نیازی به کشیدن شمشیر و جنگیدن نیست.

با توجه به اینکه حضور زنان مسلمان هنگام جنگ و در صحنه های جهادی شکلی متفاوت و در خور شأن یک زن دارد، اسوه های جهادی زنان در صدر اسلام، همچون حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت و پاسداری از سنت های راستین نبوی در مقابل بدعت ها و انحراف ها از طریق احتجاج و خطبه های کوبنده و نهایتا اظهار نارضایتی و بیزاری (از برخی افراد) در راستای تحقق اهداف راستین دین خود مبارزه نمودند. زینب کبری(س) هم به تبع از مادر خود به ادامه مبارزه و جهاد در این راه پرداختند.

علامه أسد حیدر ویژگی جهادی زینب کبری (س) را اینگونه بیان میکند: «زینب دختر علی (علیهماالسلام) با ثبات قلب در میدان جهاد ظهور میکند... او نقش جهادی خود را قهرمانانه ایفا نمود... او برای رضای خدا و جهاد در راه او، مصایب و سختیها را تحمل کرد» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۹۵۱). همچنین آیت الله سید ابوالقاسم خوئی (ره) جهاد حضرت را اینگونه وصف میکند: «به درستی که او شریک برادرش، حسین (ع)، در دفاع از اسلام و جهاد در راه خداست...»

خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۴: ۲۱۹). تجسم جهاد در سیرهای (زینبی، به استناد تاریخ و روایات ترک مال و رفاه در زندگی، تقدیم فرزندان، ولایت مداری و... است که او را همسنگر حسین (ع) و شریک او در راه عقیده و جهاد او کرده بود. لذا شکل مبارزات جهادی زنان اهل بیت (ع) به گونه ای بود که با عفت و شخصیت آنان هیچ گونه منافاتی نداشته است.

۲. علم بلایا و منای

یعنی علم پیشگویی حوادث و خبر داشتن از وقایع آینده و تاریخ و کیفیت شهادت خود و دیگران (محدثی، بیتا: ۵). نظر به اینکه نایب امام معصوم باید فردی فقیه و خبره باشد، زینب عالمه (س) تنها زنی بود که در مقطعی از زمان نایب ولایت و مدافع به حق آن بود. ایشان همچون اصحاب خاص پیامبر (ص)، سلمان، ابوذر و برخی از یاران حضرت علی (ع)، مانند میثم تمار و رشید هجری، علم آگاهی از حوادث آینده (علم بلایا و منایا) را داشت که آن را از پدر بزرگوار خود فراگرفته بود (مامقانی، بیتا، ج ۱: ۲۵۳ و محلاتی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۵۷). همچنین در دوران خلافت امام علی (ع) ایشان در متن جریان های سیاسی و اجتماعی جامعه قرار داشت (بشیری، ۱۳۸۵: ۳۹) و پس از شهادت مادر، جانشین و حامل رسالت وی شدند. او شاهد خیانت معاویه به امام حسن (ع) و خیانت دنیاپرستان به ایشان بود. پس از حسین (ع) هم پرچمدار مرجعیت امت اسلام شد و باید امام و امامت را از گزند این فاجعه حفظ میکرد.

زینب (س) از جانب امام حسین (ع) نیابت خاص داشت و مردم در احکام حلال و حرام به او مراجعه میکردند. این وصایت تا بهبودی امام زین العابدین (ع) از بیماری ادامه داشت (میانجی، ۱۳۸۴: ۵). در اثبات الوصیه آمده که حسین (ع) به خواهرش زینب وصیت کرد و در زمان امام چهارم (ع)، علوم آل محمد (ص) برای پرده پوشی بر امام چهارم و حفظ جان او از زبان زینب (س)، دختر علی، نشر میشد (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۷۲ قمی، بیتا، ج ۱: ۳۱۶ و بهشتی، ۱۳۶۸: ۵۱). این شواهد حاکی از جایگاه و ظرفیت علمی ایشان در دریافت علوم شریعت، نشر و پاسداری از آنهاست. مرجعیت فکری و فتاوی حضرت زینب (س) در برطرف کردن نیازهای شرعی و علمی مردم آنقدر مورد توجه مردم قرار گرفته بود که از این محبوبیت تهدیدی جدی احساس شده بود و عمرو بن سعید (فرماندار مدینه) آن حضرت را تبعید کرد (القطیفی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۴۶۶؛ شهرستانی، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۱؛ حسنی، بیتا: ۱۶؛ محسن زاده، ۱۳۸۸: ۷۱ و عباسی غریب، ۱۳۷۲: ۱۵۴). او در نامه خود به یزید، خطر وجود حضرت را اینگونه گزارش داد: «مانا وجود زینب میان اهل مدینه محرک افکار است و او زنی با فصاحت، خردمند و تیزهوش

شکوه علمی حضرت کمر دشمن را به لرزه در آورده بود و از آن احساس خطر میکرد. ایشان همانند مادرش، فاطمه (س)، جز در ضرورت از خانه خارج نمیشد، اما دورادور چشم بیدار جامعه خویش بود و تأثیر عمیق سخنانش را از رسوایی دستگاه اموی، پشیمانی مردم، حتی یزید و حرکات شورشی علیه امویان را میتوان دریافت.

نمونه دیگر نبوغ آن عالمه، جمله ای است که در پاسخ ابن زیاد فرمودند. زمانی آن حقیر به حضرت (س) گفت: «کار خدا را با برادر و خاندانت چگونه دیدی؟!» فرمود: «چیزی جز زیبایی ندیدم» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۶۳ و جزایری، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۲۴۳). این جمله را سالیان است که اهل علم و ادب در تفسیر و تحقیق آن میکوشند که افق نگاه حضرت در چه حد بود که از آن قتل گاه خونین زیباییش را درک کرد؟! این بصیرت در برداشت از حوادث، تجلی تحقق وعده ای است که خداوند در کلام خود داده است: ﴿بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَكُمْ فُرْقَانًا...﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار میدهد... ﴿(الأنفال/ ۲۹). چنین برداشتی از این فاجعه دلخراش آن هم از طرف یک زن که وجودی لطیف و سرشار از مهر و عطوفت دارد، واکنشی شگفت و تأمل برانگیز است. بر این اساس، در واکاوی اینگونه رفتارها در سیره ایشان میتوان به زیرمجموعه ای از آگاهی رسید؛ دانشی خاص برای انبیاء، ائمه اطهار و اولیاءالله است که آن بانوی خردمند و عالمه هم از آن بهره مند بود.

ب) عقیده

لقب عقیده بنیهاشم را صاحب نام ترین راویان صدر اسلام، ابن عباس به او داد (بحرانی اصفهانی، بیتا: ۱۹۵). بنیهاشم در میان اقوام، برجسته و دارای مقامی والا بودند و از حضرت زینب (س) احادیثی را نقل میکردند؛ از جمله ابن عباس، دانش آموخته مکتب علوی که به القاب علمی بسیار والا همچون حبر الأئمة، ترجمان القرآن، شیخ المفسرین و... ملقب بود، از ایشان حدیث نقل میکرد.

حضرت خطبه فدکیه را برای ابن عباس نقل فرمود. پس ابن عباس در مقام ایشان گفت: «حدثنا عقيلتنا بانوی خردمند ما گفت» (شريف القرشي، بیتا: ۶؛ قزوینی،

۱۴۰۹ق، ج ۲ و بهشتی، ۱۳۶۸: ۵۱)

در پی داشت، به دفاع از ولایت برخاست.



زینب دست پروردهٔ دامان مادرش، زهرا (س)، بود که خطبهٔ طولانی او در مسجد مدینه، میزان علم آن حضرت در پاسخگویی به پرسش‌های زنان (ر.ک؛ موسوی الکعبی، بی‌تا: ۲۶ و مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۲: ۳)، تبادل افکار با علی (ع) (ر.ک؛ سلیمانپور، ۱۳۸۰: ۸۶) و از مصحف او (مصحف فاطمه) میتوان جایگاه علمی او را در فضای متشنج و بیمار آن جامعه دریافت. قبل از حادثهٔ عاشورا در تاریخ برای حضرت زینب (س) هیچ سخنرانی در اجتماع مردان ثبت نشده است. اما شرایط اقتضا میکرد که به سخنرانی در جمع نامحرمان و دستگاه‌های فاسد اموی به افشاگری آنان بپردازد. حتی زمانی که امام سجاد (ع) میتوانست به افشاگری خاندان اموی برخیزد، زینب (س) این مسئولیت را بر عهده گرفت، چراکه جان حضرت سجاد (ع) در خطر بود.

عقیله یعنی بانوی گرامی و مخدره (ر.ک؛ مصطفی، بی‌تا، ج ۲: ۶۱۷). از این رو، فرزندان آن حضرت را بنیعقیله میگفتند (ر.ک؛ عزیزی، بی‌تا: ۸). نبوغ علمی آن بانو از کودکی شگفت آور بود، به ویژه در مسایل اعتقادی. روزی حضرت علی (ع) زینب (س) را بر زانوی خود نشانده بود. به او فرمود: بگو یک. زینب هم گفت یک. پدر فرمود: بگو دو. زینب ساکت شد. علی (ع) به او فرمود: دخترم سخن بگو. زینب گفت: زبانی که به گفتن یک گردش کرده، چگونه دو بگوید؟! امام از پاسخ حکیمانه و عالمانهٔ دخترش بسیار مسرور گشت و او را بوسید (ر.ک؛ حسینی علوی، بی‌تا: ۳؛ الحائری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۳۲ و محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۳۵). نیشابوری در رسالهٔ علویهٔ خود آورده است که زینب (س) در فصاحت و بلاغت و نیز زهد و عبادت همچون پدرش علی مرتضی و مادرش زهرا، علیهما السلام بود (بحرانی اصفهانی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۹۵۱).

اما مدیریت بحران کربلا، از جانب امام معصوم (علیه السلام) به حضرت زینب (س) واگذار شد. ایشان هم در اطاعت از امام خود فرمودند: «ای برادر! آسوده خاطر باش. مرا آنگونه که میپسندی، خواهی یافت» (نشریهٔ الکفیل، ۱۴۳۴ق.، ۷ و حسنی، بی‌تا: ۷). این پاسخ در واقع، اوج توانایی و کفایت ایشان برای ادارهٔ این جریان را میرساند. اساس مسئولیت او در دو محور قرار میگرفت: یکی آغاز جنگی نرم علیه امویان، و دیگری حفاظت از حضرت سجاد (ع) و اسیران بود که سخنان آن حضرت موجب هجومی دیگر علیه آنان نشود. این مسئولیت بسیار سنگین تدبیری والا اقتضاء میکرد. همچنین نیاز اساسی در مدیریت این شکل از جنگ و جهاد، موقعیت‌شناسی بود که حضرت زینب (س) در آن شرایط گاه با کلام خود و گاه سوز دل و گریه‌هایش که پشیمانی و خجالت آنان را در

بشیر بن خزیمه اسدی نقل کرده که «فصیح تر از او ندیدم. گویی از زبان امیرالمؤمنین بود که سخن میگفت. پس اشاره کرد به مردم که ساکت شوند. پس نفس ها در سینه حبس شد. آنگاه خطبه بلیغ خود را بیان فرمود» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۹۲ و شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۰۷). نورالدین جزایری در خصائص الزینیه در مورد حضرت چنین نوشته است: «منطق او همانند منطق پدرش است» (عزیزی، بی تا، ج ۲: ۱۶). علی (ع) در توصیف خود فرموده است: «همانا پروردگارم به من قلبی آگاه و دانا و زبانی سخنگو بخشده است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۶۳ و سیوطی، ۱۳۷۱: ۱۴۲). لذا اخلاق زینبی خلقیات علوی و فاطمی را در علم، منطق، فصاحت، شجاعت و... را برای دیگران و دشمنان متجلی نمود، به گونه ای که یزید پس از عجز در برابر وی، او را «سجاعه» خواند. این تعبیر نشان از عجز دشمن و مدعیان فصاحت در سخنوری در مقابل کلام غرای ایشان دارد؛ کلامی که با حق و حقیقت را درگوش یزیدیان فریاد میزد؛ کلامی که با کلام خداوند آمیخته شده بود و هزاران سؤال از یزید و مردم فریب خورده آن جامعه داشت.

ج) محدثه

نام حضرت زینب (س) در کتب رجالی شیعه (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۳: ۵۶۷؛ الموسوی الخویی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۴: ۱۳۵ و مامقانی، بی تا، ج ۱: ۲۷)، من لا یحضره الفقیه، وسائل الشیعه (حر العاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱: ۲۲) و بحارالأنوار (و... آمده است. در باب شخصیت روایی حضرت زینب (س) علمای بزرگی از جمله آیه الله خوئی، سید نورالدین جزایری، ابوالفرج اصفهانی و... سخن گفته اند. او در خردسالی راوی خطبه مادرش بود و روایات او هیچ شبهه ای در اعتبار نداشت، چراکه او عالمه غیر معلمه بود و تمام شرایط یک راوی موثق را در حد کمال، بلکه فراتر از آن در خود داشت.

حضرت زینب (س) را صحابه پیامبر دانسته اند. او از پدر، مادر و برادران بزرگوارش حسن و حسین (علیهم السلام)، ام هانی، عبدالله بن جعفر (ر.ک: عزیزی، بی تا: ۱۲)، همسران پیامبر (ص) (ر.ک: ابن سعد، ۱۳۷۷، ج ۸: ۴۶۱)، ام ایمن (ر.ک: ابن قولویه قمی، ۱۳۸۵: ۵۶۷) و أسماء بنت عمیس (ر.ک: رحمانی همدانی، ۱۳۷۸: ۷۹ و غروی، ۱۳۷۵: ۱۹۸) به نقل حدیث پرداخته است.

همچنین از حضرت زینب (س) هم افرادی به نقل حدیث پرداخته اند که از جمله آنها میتوان امام زین العابدین (ع) (ر.ک: صدوق، ۱۴۲۵ق: ۵۶۷)، فاطمه بنت حسین بن علی

بن ابيطالب (ع) (ر.ک: صادقی اردستانی، ۱۳۷۲: ۱۰۰ و بحرانی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۱: ۳۴۵)، عبدالله بن عباس (ر.ک: اصفهانی، ۱۳۸۰: ۹۱)، زید بن علی بن الحسین (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۹: ۲۳۹)، احمد بن محمد بن جابر (ر.ک: صدوق، ۱۴۲۵ق: ۳۲۰)، عطاء بن سائب، محمد بن عمرو، عباد عامری، جابر بن عبدالله انصاری را نام برد (ر.ک: غروی، ۱۹۸: ۱۳۷۵ و صادقی اردستانی، ۱۳۷۲: ۱۰۰). برخی از این احادیث، حدیث «الجار ثم الدار» (صادقی

اردستانی، ۱۳۷۳: ۱)، نزول مائده بر مادرش حضرت زهرا (س) (ر.ک: ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۴ و طوسی، ۱۴۱۴ق: ۸۷۹)، حدیث ام ایمن (ر.ک: صادقی اردستانی، ۱۳۷۳: ۱ و ابن قولویه قمی، ۱۳۸۵: ۵۷۱۵۶۶)، حدیث فاطمیات (بحرانی، ۱۴۰۹: ۳۴۵) و... هستند.

ابن سعد در الطبقات الکبری، زینب (س) را جزء راویانی ذکر میکند که از همسران پیامبر و دیگران (و آنها از پیامبر (ص)) حدیث نقل کرده اند (ابن سعد، ۱۳۷۷، ج ۸: ۴۶۱). مرحوم طبرسی در اعلام الوری بر این قول تأکید میکند و میگوید: «او از مادرش فاطمه (س) حدیث نقل میکرده است» (طبرسی، بی تا: ۲۹۴). علامه مامقانی او را از «محدثات» شمرده است و درباره آن علیا مخدره نوشته است: «صدوق او را در مشیخه نام برده

است... و ابن اثیر در أسدالغابه او را از صحابه دانسته است... زینب! زینب کیست؟! تو چه میدانی که زینب کیست؟ او عقیله بنی هاشم است که در صفات ستوده، برترین است و کسی جز مادرش بر او برتری ندارد تا جایی که اگر او را صدیقه صغری بخوانیم، حق گفته ایم» (عسقلانی، بی تا، ج ۳: ۵۰۰ و مامقانی، بی تا، ج ۳: ۷۹). ابن اثیر نام زینب (س) را در زمره اصحاب رسول خدا (ص) ذکر کرده است و درباره او میگوید: «زینب زنی عاقل، خردمند، و با منطق قوی بود... و سخن او با یزید در تاریخ مشهور و مذکور است و این سخنان دلیل بر عقل و قوت قلب اوست» (ابن اثیر جزری، بی تا، ج ۵: ۳۰۰)

بر این اساس، حضرت زینب را میتوان یکی از ناقلان و حافظان میراث حدیثی شیعه دانست که اعتبار و سندیت روایاتی که ایشان در سلسله سند آنها قرار گرفته، محرز و مایه اطمینان محدثان و محققان حدیثی است؛ زیرا سخن صحابه به جهت تعلیم و تربیت یافتن او نزد پیامبر، اعتبار حدیثی مسند و منقول از پیامبر را دارد. جایگاه والای حدیثی و روایی ایشان نزد رجال یون آنگونه بود که به جز زنان اهل بیت (ع) به ندرت بانویی در چنین جایگاه حدیثی قرار میگیرد. شاهد ما در این باره کتب رجالی است که ایشان را در اعتبار، پس از حضرت فاطمه (س) قرار میدهد.

ه) معلمه

خانۀ حضرت زینب (س) و مکتب او، مهبط وحی بود. تدریس او هم بر عهدۀ خمسۀ طیبه بود (استادانی که مقام عصمت و طهارت آنها را قرآن تأیید کرده است)؛ زیرا که او در شرایط بسیار سختی قرار خواهد گرفت و آزموده خواهد شد. با رحلت جانسوز مادر و جد بزرگوارش، باید همدم پدر میشد و جای خالی مادرش را برای خواهر و برادرانش پر میکرد. پس از مادر، پدر که بزرگترین پشتگرمی بود، از پیش زینب میرود. بعد از پدر باید غم برادر بزرگترش را به جان میخزید و در آخر هم مهم ترین و جانکاه ترین مسئولیت حضرت (س)، با سفر برادر و امام خود آغاز میشد آنجا بود که زینب (س) باید تمام آموخته هایی را که خمسۀ طیبه در وجود او نهادینه کرده بودند، در مکتب عاشورا به نسل های بعد تعلیم میداد. ایشان در زندگی، علم خود را محصور نمیکرد، لذا میتوان ایشان را یکی از افراد معنی به این حدیث از جد بزرگوارشان دانست. ایشان میفرمایند: «زندگی افراد عالم و دانشمند بر روی پهنۀ زمین همانند وجود ستارگان در آسمان هاست که انسان به مدد درخشش آنها در خشکی و دریا، در دل شب و تاریکیها راه خود را باز مییابد...» (العالمی، ۱۴۰۹ق: ۸۵ و المتقی الهندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۰: ۱۵۱). وی معارف و معالم خود را نه تنها برای زنان، بلکه برای برخی مردان هم شرح و تبیین میکرد. فضای حاکم بر آن ایام به گونه ای بود که درس خواندن و فعالیت بیرون از منزل برای زنان و دختران امری غیرمعمول بود و در فضای مردسالار و متعصب آن روز آموزش و آشنایی با خط و نوشتن را جایز نمیدانستند. لذا ایشان حصار عقاید و تعصبات پوچ را شکسته و یکه تاز میدان علم و دانایی و دفاع از آن شد. در مقام معلمی زینب (س) زبان قاصر است، چراکه تمام ابعاد شخصیتی او، چه در عمل و چه در فکر و روح همگی الگویی تام، اولاً برای انسانیت و ثانیاً برای مسلمان بودن است. او اجازه نداد کربلا فقط صحنه ای از یک حادثۀ غم انگیز باقی بماند او معلم صبر و بردباری، شجاعت، تقوا و عبادت، ولایت مداری، زهد، عفت و پاکدامنی، و صفات برجسته و متعالی دیگری است که نام بردن آنها در این مقال نمیگنجد.

د) مفسره

روایات زیادی ناظر به مقام علمی اهل بیت (ع) در باب قرآن است؛ از جمله روایاتی که خبر میدهند از اینکه اهل بیت (ع) عالم به تفسیر و تأویل قرآن هستند. علم آسمان ها و زمین را از آن استخراج میکنند. اصلاً اهل قرآن هستند و اگر بخواهند درباره فاحشۀ کتاب تفسیر بنویسند، باید آن را بار هفتاد شتر کنند. همانگونه که در ینابیع الموده آمده است که ابن عباس میفرماید: «من نزد امیر مؤمنان تفسیر میآموختم. حضرت به من فرمود: ای پسر عباس! اگر من آنچه را که در هفت آیه سوره حمد است، از «ب» بسم الله تا «و لا الضالین»، برای شما بگویم و شما هم گفته های من را بنویسید و بعد از اینکه من پایان آن را اعلام کنم، هفتاد شتر جوان را باید بیاورند تا این نوشته ها را بار کنید» (القندروزی، ۱۴۲۲ق: ج ۱: ۲۰۵). اینکه اهل بیت عالم به قرآن، از آغاز تا به انجام هستند، نشان آن است که آنان راسخون در علم اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳: ۱۹۷). لذا تربیت در محیط وحیانی و رشد یافتن در محضر پیامبر و معصومین، علیهم السلام، که جامع ترین افراد در تفسیر و تأویل اند، حضرت زینب (س) را مفسری بیبدیل ساخت خداوند مقام علمی آنان را اینگونه بیان فرموده است: ﴿...وما يعلم تأویله إلا الله والراسخون فی العلم...﴾ تفسیر و تأویل آن را جز خدا و راسخان در علم نمیدانند...﴾ (آل عمران ۷/). راسخون، اهل بیت پیغمبرند (ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۳۱۶، بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱: ۵۹۷ و حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۹) زینب کبری فرزند و دانش آموخته مکتب چنین مفسری بود. لذا با این اوصاف میتوان دریافت که از قرآن کریم و تفسیر آن، چه میزان علم نزد زینب کبری (س) بود: ﴿بل هو آیات بینات فی صدور الذین أوتوا العلم...﴾ بلکه این آیات روشنی است که در سینۀ دانشوران جای دارد...﴾ (العنکبوت ۴۹/). لذا تأمل در سخنان حضرت زینب (س)، همان مفسری که خاندانش به عدل قرآن تعبیر شده اند، پیوند عمیق کلام ایشان با آیات قرآنی را به خوبی مینمایاند. اقتباس مکرر از آیات الهی و تطبیق آن بر اوضاع کوفیان در خطبه ها و سخنان، خود قرینه ای دیگر در علم ایشان به تفسیر، تأویل و تطبیق آیات قرآنی است و تقریباً در تمام تفاسیر، مصداق آیه فوق، حضرت محمد و اهل بیت

ایشان (علیهم السلام) به طور خاص، و عالمانی که به ایشان اقتدا میکنند، به طور عام، معنا شده اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۵۱؛ مغنیه، بیتا، ج ۱: ۵۲۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۹: ۴۷۱ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۱۶۶).

سید نورالدین جزایری هم در خصائص الزینبیه، جایگاه علمی و فعالیت های آموزشی ایشان در جامعه را اینگونه توصیف میکند: «روزگاری که امیرالمؤمنین (ع) در کوفه بود، زینب (س) در خانه اش مجلسی داشت که برای زنان قرآن را تفسیر و معنا میکرد. روزی «کهیص» را تفسیر مینمود که امیرالمؤمنین (ع) به خانه او آمد و فرمود: ای نور و روشنی دو چشمان! شنیدم برای زنان «کهیص» را تفسیر مینمایی. زینب (س) گفت: آری. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: این رمز و نشانه ای است برای مصیبت و اندوهی که به شما عترت و فرزندان رسول خدا (ص) روی میآورد. پس از آن مصایب و اندوه ها را شرح داد» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۳۱۹ و جزایری، ۱۳۷۹: ۶۰).

لذا هر کس بنا به ظرفیت خود از اسرار و تأویل آیات قرآن آگاه میگردد و آنان که علم ایشان از علم بیپایان پروردگار سرچشمه میگیرد، طبعاً به همه اسرار و تأویل های قرآن آشنا هستند.

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: **من فهم القرآن فسر جمل العلم**: هر کس قرآن را بفهمد، همه علوم را جملگی تفسیر میکند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۶). با توجه به این سخن، تسلط حضرت زینب (س) بر علوم دیگر، علاوه بر علم به فهم و تفسیر قرآن اثبات میشود. در روایتی دیگر آمده است: «حضرت زینب (س) در محضر دو برادر خود، حسنین (ع)، نشست و آنها درباره گفتار رسول خدا (ص) با هم گفت و گو میکردند. زینب (س) عرض کرد: شنیدم میگفتید رسول خدا (ص) فرمود: بعضی از امور حلال آشکار است و بعضی حرام آشکار، ولی بعضی شبهه ناک است که بسیاری از مردم حکم آن را تشخیص نمیدهند... آنگاه زینب (س) چنین شرح داد: هر کس از امور مشتبه پرهیز کند، دین و آبرویش را از انحراف حفظ میکند و هر کس که مرتکب امور شبهه ناک شد، پایش به سوی حرام میلغزد؛ مانند چوپانی که گوسفندان را در نزدیک پرتگاهی عبور میدهد، قطعاً احتمال سقوط آن گوسفندان از آن پرتگاه بسیار است.

بدان که هر چیزی پرتگاهی دارد. اموری را که خداوند حرام کرده، همان پرتگاه هستند. ارتکاب امور شبهه ناک، نزدیک به آن پرتگاه خواهد بود که موجب سقوط خواهند شد. در هر انسانی عضوی وجود دارد که اگر صالح شود، موجب صالح شدن سایر اعضاست و اگر فاسد شود، باعث فاسد شدن سایر اعضا میگردد. آن عضو، قلب است. ای برادرانم! (حسن و حسین) آیا از پیامبر (ص) که به تأدیب الهی ادب شده، شنیده اید که فرمود: خداوند مرا تأدیب نمود و نیکو ادب کرد؟!» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۲۱۰ و ج ۶۸: ۳۸۲ و محمدی ریشه‌ری، ۱۳۶۷، ج ۱: ۷۸). حلال آن است که خداوند آن را حلال نموده، قرآن آن را بیان کرده است و پیامبر (ص) آن را توضیح داده است؛ مانند: حلال بودن خرید و فروش، اقامه نماز در وقت خود، ادای زکات، انجام روزه ماه رمضان و حج برای مستطیع، ترک دروغ، نفاق و خیانت و نیز مانند امر به معروف و نهی از منکر. به این ترتیب، عبارتی را که از جد بزرگوار خود شنیده بود، به خوبی برای برادران خود تفسیر و تحلیل کرد (ر.ک؛ عزیزی، بیتا: ۲؛ میرزایی، ۱۳۸۶: ۲۲۳ و محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۷۶۷۴). جدول زیر سخنان حضرت (س) (در کوفه و شام) و میزان تطبیق آنها با آیات قرآنی را نشان میدهد (برای مطالعه خطبه به صورت کامل، ر.ک؛ مدرسی، محمدتقی، ۱۴۱۶ق). الصدیقه زینب شقیقه الحسین (ع). تهران: بینا. صفحه ۲۰

در مقام تفسیری حضرت زینب (س) شاهد ما خطبه های ایشان است که آکنده از آیات الهی میباشد و به خوبی بر شرایط و افراد تطبیق داده شده اند. این همان فرقانی است که خداوند آن را به بندگان خود وعده داده، همان بصیرتی که به کنه حوادث راه میباید. تفقه در این آیات برداشت صحیح از کلام الهی را به دنبال خواهد داشت. پیوندی که میان کلام حضرت زینب (س) و کلام الهی در جدول فوق نشان داده شد، شاهد مثالی برای سخن امام صادق (ع) است که فرمودند:

«کسی که قرآن را در جوانی قرائت کند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته میشود» (صدوق، ۱۳۶۴: ۱۰۰). بدون شک در قرآن نیروی معنوی عظیمی هست که در نفس انسان تأثیر شگرف بر جای میگذارد و این نیرو باعث تیزی احساس و صیقل روح انسان میشود و ادراک، تفکر و بصیرت او را جلا مینماید. نمونه بارز این تأثیر پذیری را در واکاوی زندگی سلاله مفسران قرآن حضرت زینب (س) در مقام مفسر آیات الهی میتوان دریافت.

از آنچه گذشت چنین بدست می‌آید که رسالت دینی، علمی و عملی حضرت زینب (س) در نهضت برادر و امام خود که از لابه لای نگاره های ارزشمند تاریخ در وصف حال او بوده، اوج تعالی روح انسانی را می‌آموزد و زیربنایی از علم و معرفت دارد. او در مقام حامل علم پیامبر و امانت دار شریعت برای عموم جهانیان و مصداق بارز وعده های خداوند شده بود که (اگر نسبت ایشان با خاندان وحی مد نظر نباشد)، تقوا، خدامحوری و تفقه در دین موجب افاضات الهی، از جمله «علم لدنی» به ایشان شد. به علاوه، سلوک حضرت در خودسازی، ایده و آموزه های بدیع برای حضور زنان مسلمان در مجامع علمی و سیاسی و عرصه های دیگر است؛ سیره علمی ایشان که در قالب پنج ویژگی علمی در این مقال مورد تحلیل و بررسی واقع شد، همچنین پیوند کلامی عمیقی که سخنان وی با آیات قرآن داشت، همه و همه زیربنای القاب بسیار معروف و متعالی ایشان در صبر، مسئولیت پذیری، افشاگری و ظلم ستیزی، ایثار، تسلیم و رضا قرار گرفت. زینب کبری (س) در لباس اسارت، مبلغ دانای دین و آیین جدش رسول خدا (ص) بود. این مقاله در واقع، روایت گر جهاد علمی یکی از اسوه های عالمان و مبارزان الهی است که با تبلیغ عقیده و جهاد در راه آن، عزت مداری و عالمانه زیستن را حتی برای مادی گرایان و بیخردان، فاسدان وقت همچون مزدوران اموی تبیین میکنند. اما متأسفانه جامعه زینب (س) بیماری بود که حتی لیاقت علاج را از خود دریغ کرده بود.



عظیم معظم رہبر، (مد ظلہ العالی)

عنصر تحقیق و پژوهش
در ہمہ جا بہ صورت یک اصل
در مجموعہ کارها
باید مورد توجہ قرار گیرد .



علم، پایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه‌ی یک کشور
است.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۱۳۹۰/۱۱/۱۴



حوزه علمیه حضرت زینب(س) - استان خوزستان

ایمیل: mail.whc.ir

آدرس وبلاگ مدرسه: <https://omidieh.kowsarblog.ir/>